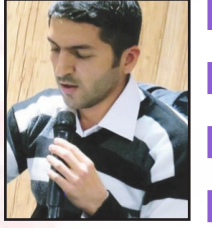


وقتی گفتم «دوستت دارم»
قلبم در تخیلت
همچون کاسه گدایی شد
وقتی گفتم
«زبانم به دروغ دچار نیست»
اصرارم در احساس



سامان ساردویی



ابوالفضل زاری

غصه ز سر در می کنم
لب را به می، تر می کنم
این زخم دل با یاد تو
ترمیم و بهتر می کنم

می سوزم از چشمان تو
با آن شرار جان تو
با آنش پنهان تو
خود را چه پر می کنم

آتش به جان چون همیشه ام
می سوزم از عشق تو یار
سرمستم و پُر شور و حال
خود را جو اخگر می کنم

ایوب را با من چه کار
افسار صبر از کف گریخت
با این گریز و این فرار
من صبر کمتر می کنم

در ماتم هر روز و شب
دیوانه ام پُر سوز و تب
اشکم شده رنگ عقیق
مژگان به خون تر می کنم



خاطره محقق

برای نابود کردن
آخرین تارهای تنیده بر تندیس «صلح»
«جنگ»
حرف آخر بود
آفتقد اوج گرفت
که خواب را از چشم کودک ربود
بی خانمان کرد.

شب روی دوشش
به کوچه آمد
کوچه پر از اسباب بازی
کوچه پر از کابوس

با مرگ هم بازی شد
و خاک و خون
به نسبت بی منطقی
در هم آمیخت.

وقتی که در دل شب، دیوار غم بنا شد
دنیای بی عبورم با درد هم صدا شد

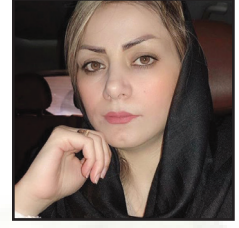
آجر به آجرم را می چید تا ثریا
با لحظه لحظه هایم اندوه، آشنا شد

وقتی که باور شب از نور می هراسید
رویای هر ستاره با اشک من فنا شد

یک قصه از هزاران، شب های بی قراری
در دام رخوت ما، این بار هم فدا شد

وقتی که آبه آبه از چشم می چکید
تا ذکر هر شب و روز محبوس رینا شد

میهوت بر سیاهی، سمت طلوع فردا
هر قطره قطره شب از چشم من رها شد



موضیه تقی زاده

ماهم،
دست های دریایی ام را،
برای نوازش گونه های ماه گونت،
بلا آورده ام!
دریغ!
در آغوش ساحل،
غرق می شوند
و می میرند!
باد،
موج سنگ صبور دل تنگ مرا،
به سینه ی صخره ها می زنند!
به تو نرسیدند،
حتی برای درک لمس یک جرعه نور!
دریغ مهتاب زیبای من،
میان جاذبه ی چشم های تو،
با آبی دست هایم،
«یک زمین تا آسمان»
فاصله بود!

سال هاست می کشم؛
درد غربت، در شهر آشنای چشم هایت...
نفس،
در هوای نبودنت،
وزن صداقتم
در ترازوی انصاف!
بار سنگین خاطراتی تلخ به دوش!
سیگاری غلیظ، سکوت، دود!
یک فنجان قهوه تلخ را سر!
نقاشی چشمانی بی فروغ بر بوم سفید انسانیت!
ناز آمدن تو را،
یک ریز و یک نفس...
کشیده ام و می کشم...
ولی تو تنها یک بار،
فقط یکبار...
دست کشیدی
و رفتی...



شکيب داودي

شکيب نيست مرا، داغ ديده ام يا شعر
و بيشتري به سياهي رسيده ام تا شعر

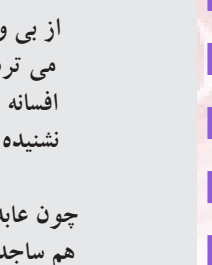
چه هست تا که دلم را در آرد از این غم
سکوت بغض گریبان دریده ام یا شعر؟

من انتظار ندارم که روز میلادم
شبی خون بچکد از میان لب ها شعر

سقوط شعله ی شمع و چه کادویی بدتر
از اینکه پر بکشد یک هواپیما شعر

تمام زندگی ام موج انفجار شده
و با چه چیز دلم خوش شود به آن؟ با شعر؟

حدوداً از صد و هشتاد جا شکسته دلم
و هیچ چیز برایش نمانده حتی شعر



زهرا غلامیان

از بی وفایی های تو
می ترسم اما باز هم
افسانه ی مهر تو را
نشنیده باور می کنم

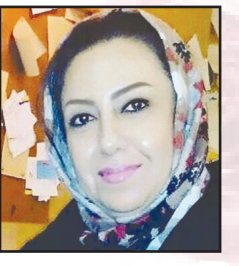
چون عابدم، بر موی تو
هم ساجدم، بر روی تو
هرجا که رخسارت نبود
رو سوی دیگری می کنم

خورشید من باش و بتاب
تابان کن این جان مرا
هر صبح بهر دیدنت
رو سوی خاور می کنم

اندیشه را با بال ها
تا بیکران عشق تو
پر می دهم تا ماوراء
همچون کبوتر می کنم

در سینه دیوانه دلم
دیوانگی ها می کند
ساکت نگردد لاجرم
در سینه نشتر می کنم

بی تو نخواهم لحظه ای
دنیا و دین و کیش را
با مرگ راهی می شوم
من خاک بستر می کنم



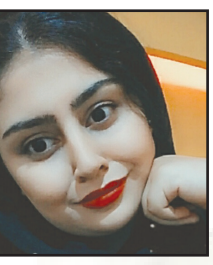
مریم چشمت پور

شاعر: به فرار برف نو جوراب آویخته بر آتش سرخ
انتظار هدیه ای ندارد
نه تا وقتی که بابا
در بی تابی جیب هایم
دست و پا می زند
ونه در سرگردانی گوزن هابرقاب کرسی یاد آلود،
چند ورق این طرف تقویم
از سیاهه ی جلّه تا سپیدی بهار چه فرقی می کند. به
قرار شما قدحی انار پیشکش...

دلم کمی دیوار
که بی ادعا شانه دهد
چند شاخه سایه،
جرعه ای باران، تا مرا ببرد...

گلگوله
هر عضو دوست داشتتم را
پیر می کند
حالا
لب هایی دارم
بی بوسه
غرق جنگ...

در این حوالی
دور
کسی از نزدیک مرا نمی خواند



زهرا غلامیان

ز او نگو
از عشق او نگو که تمام عاشقانه هایم را از برم
از کافه ی محبوبش نگو که تمام راه هایم را به عشق او رفتم
از چشم هایم نگو که هر چی می کشم از آن دو گوی مشکبست
از لبخندش نگو که هر عکس به جا مانده اش را می نگرم آن لبخند
اناریست

نامش را نگو که این زخم دلم سر باز می کند
از دلبری هایم نگو که این مجنون دوباره پرواز می کند
از عطر زلفش نگو که در سراسر خانه پیچیده است
از رایحه ی پیراهنش نگو که آن یکی را در آغوش بی تايم جا گذاشته
است

دیگر از چهره ی زیبای او نگو که هر شب در آسمان به جای ماه می بینم
از گل های پیراهنش نگو که آنها را ستاره های دامان آسمان
می بندارم...

منتظر داستان و اشعار شما هستیم

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی شود.

toloudaily@gmail.com

کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: **محمود شیربازو**

روزنامه طلوع

آگهی و مشترک می پذیرد

۳۲۳۴۴۷۷۲
۴۲۲۲۹۲۴۶

آگهی تجدید حدود عمومی سه ماهه دوم سال ۱۳۹۸ املاک واقعات در حوزه ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک مهر

به موجب مادتهای ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت تجدید حدود املاک واقع در حدود ثبتی شهرستان مهر بخش ۸ الحاقی و ۲۵ فارس به شرح ذیل به اطلاع عموم می رساند

۱	۹۷/۳۲۶	آقای سید علی حسینی فرزند سید خاتم	شش دانگ یک قطعه زمین زراعتی مشهور به لنگه کور به مساحت ۶۲۴۲۹ متر مربع واقع در قطعه ۵ بخش ۸ بوشهر الحاقی به فارس شهرستان مهر روستای دارالمیزان
۲	۵۹۳۵/۲	خانم سهیلا زمانی فرزند علی	شش دانگ یکپایخانه به مساحت ۸۵۱ متر مربع واقع در قطعه ۱ بخش ۲۵ فارس شهرستان مهر روستای تل ملایی
۳	۲۵۲۱/۸۲	علی گله دار عبدالله پور فرزند عباس	شش دانگ یک قطعه زمین جای باغ به مساحت ۱۶۲۶ متر مربع واقع در قطعه ۳ بخش ۲۵ فارس شهرستان مهر نخلستان مهر
۴	۴۵۰۸/۸۲	خانم فاطمه خالدی فرزند علی	شش دانگ یک باب تجاری مسکونی به مساحت ۶۲/۸۰ متر مربع واقع در قطعه ۳ بخش ۲۵ فارس شهرستان مهر شهر گله دار

تاریخ تجدید حدود ۹۸/۱۱/۲۱

عملیات تجدید حدود املاک فوق از ساعت ۸ صبح در محل وقوع ملک شروع خواهد شد و از مالکین و مجاورین دعوت می شود و در وقت معین و در محل وقوع ملک حضور یابند در صورت عدم حضور هر یک از مالکین تجدید حدود املاک آنها طبق ماده ۱۵ ثبت تبصره ذیل آن بعمل خواهد آمد و احوالی نسبت به تجدید حدود و حقوق ارتقاعی برابر ماده ۳۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتجلسه تجدید حدود به مدت ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد. معترضین نسبت به حدود حقوق ارتقاعی مکلفند مطابق تبصره ۳۰ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده معترضین ثبتی مصوب ۸۳/۲/۵ طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست به مراجع قضایی محل وقوع ملک تقدیم و الا حق آنها ساقط خواهد شد. تاریخ انتشار: ۹۸/۱۱/۰۱ شناسه آگهی: ۷۴۱۳۰۴/م الف ۱۳۵۲۴/۳۲۶۴۴

خلیل شاکری - رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان مهر

اخطار

بدین وسیله به وراث مرحوم حسین چراغی فرزند محمد (مهرین رنگین کمان - اعظم رضایی - محمد چراغی - نیوشا چراغی - اکرم چراغی - ساره چراغی - زهرا چراغی) به نشانی کازرون خ شهدای جنوبی کوچه مسجد ملامحمود جنب مسجد، مدیونین پرونده اجرایی کلاسه ۹۸۰۰۴۰۳ اجرای ثبت اسناد کازرون ابلاغ میگردد که خانم پروانه حیدری خشتی بابت بدهی شما موضوع سند نکاحیه ۱۲۵۶۲ - ۱۳۹۸/۶/۳۰ دفترخانه ۵۴ ازدواج و ۱۲۴ طلاق شهر کازرون (مهریه) جهت وصول میزان ۱۱۴ عدد سکه تمام بهار آزادی، سهمیه مرحوم حسین چراغی در مازاد اول پلاک شماره ۱۵۶ فرعی از ۸۹ قطعه ۳ بخش ۷ فارس کازرون و نیز مازاد اول پلاک ۲۵۱ فرعی از ۷۵ ق ۴ بخش ۷ فارس کازرون نیز خودرود شماره ۷۳ - ۷۵۳ ص ۹۹ متعلق به مرحوم مذکور بازداشت نموده است مراتب جهت اطلاع اعلام میگردد.

۸/۱۱۶۲ /م الف

داود انصاری - مدیر اجرای واحد اجرای اسناد رسمی کازرون